



چکیده

مقاله حاضر به بررسی فرصت‌ها، تهدیدها، ضعف‌ها و قوت‌های گسترش راهنمایی و مشاوره در دوره عمومی می‌پردازد. همان‌گونه که در بیش‌تر متون روان‌شناسی آمده است، کودکی و نوجوانی دو دوره حساس زندگی هستند. بسیاری از روان‌شناسان معتقدند که پایه‌های اصلی شخصیت افراد بزرگ‌سال در دوران کودکی آن‌ها شکل گرفته است. با توجه به این که کودکان سازنده فردای جامعه هستند، توجه به رشد همه‌جانبه آنان و کمک به حل مسائل و مشکلات ویژه این سنین موضوعی حیاتی است. در این میان، هنوز جای نیروهای متخصص با سمت مشاوره در مدارس خالی است و برخی از کودکان با مشکلات بی‌شمار خود دست‌وپنجه نرم می‌کنند. زمانی که آن‌ها به سن دبیرستان می‌رسند و به مشاور مراجعه می‌کنند، مشکلاتشان به قدری عمق یافته که گاه قابل درمان نیست. به نظر می‌رسد که بررسی فرصت‌ها و تهدیدهای گسترش راهنمایی و مشاوره در دوره عمومی گامی در جهت حل این موضوع حساس باشد. در این پژوهش، به برخی از نکات کلیدی مربوط به این مسئله اشاره شده است.

کلید واژه: شخصیت، دوره های بحرانی رشد، رفتارهای آسیب زا.



فرصت یا تهدید

چند و چون گسترش راهنمایی

و مشاوره در دوره عمومی

غلامرضا شاهمرادی

لیسانس مشاوره، کارشناس مشاوره اداره آموزش و پرورش منطقه جی

اعظم نقوی

فوق لیسانس مشاوره، مشاور هسته مشاوره آموزش و پرورش منطقه جی، اداره آموزش و پرورش منطقه جی

مریم جعفر علی

لیسانس شیمی، کارشناس اداره آموزش و پرورش منطقه جی

مقدمه

دوران ابتدایی و راهنمایی دو دوره بسیار مهم در زندگی هرکس به حساب می‌آید. در این دوره‌ها شخص در حال گذار از کودکی به نوجوانی است. سال‌های پیش از نوجوانی دوره بحرانی رشد به شمار می‌رود که با تغییرات سریع جسمی، ذهنی و روان‌شناختی نمایان می‌شود.

کودک در این زمان در حال تجربه انواع سبک زندگی و الگوهای رفتاری است که بعدها آن را به بزرگسالی خود انتقال دهد. پایه و اساس شخصیت یک کودک در این دوران شکل می‌گیرد (کاتز، ۲۰۰۵). از آنجا که سلامت هر جامعه وابسته به سلامت اعضای آن است، توجه به رشد و سلامت روانی دانش‌آموزان در دوران پیش از نوجوانی یا به تعبیر آموزش و پرورش ایران، دوره عمومی، حیاتی است؛ چرا که رشد رفتارهای مثبت در این دوره می‌تواند از رفتارهای ناسالم بعدی در زندگی پیش‌گیری کند به‌علاوه، سلامت روحی و عاطفی جهت پیشرفت تحصیلی

بسیار ضروری است. معلمان و مسئولان مدارس ابتدایی و راهنمایی، مسئول رشد تحصیلی و ذهنی دانش‌آموزان در مدارس‌اند. اما نگاهی به آمار مراجعان به مراکز مشاوره و آمار بالای مراجعان دوره‌های ابتدایی و راهنمایی مبین این موضوع است که در دوره عمومی، مسئولان مدارس جایگاه مشاوران را پر کنند؛ زیرا مشاوره امری تخصصی است و به آموزش‌های فراوانی نیاز دارد.

هدف اصلی این مقاله بررسی فرصت‌ها و تهدیدهای گسترش راهنمایی و مشاوره در دوره عمومی است. ما در این‌جا ابتدا به اختصار به تاریخچه و اهمیت مشاوره در آموزش و پرورش می‌پردازیم و سپس فرصت‌ها و تهدیدات این برنامه بسیار مهم را بررسی می‌کنیم.

تاریخچه

فرانک پارسونز اولین فردی معرفی شده که در سال ۱۹۰۸ اقدام به ایجاد مرکز راهنمایی شغلی در آمریکا کرده

است. کتاب وی به نام «انتخاب شغل» سرچشمه بسیاری از کتاب‌های اساسی در این رشته است و پس از آن، برنامه‌های مشاوره و راهنمایی به تدریج در آمریکا رشد کرده است (کیبسون ویشل، ۱۳۷۶).

از سال ۱۳۳۲ برنامه‌های راهنمایی در کشور ایران شروع شد. در سال‌های ۱۳۳۷ و ۱۳۳۸ لزوم راهنمایی در مدارس امری ضروری تشخیص داده شد و مرکز راهنمایی در آموزش و پرورش تأسیس شد اما به دلایلی این برنامه در سال ۱۳۵۹ به حالت تعطیل درآمد. در سال ۱۳۶۷ ضرورت وجود مشاوران در مدارس دوباره احساس شد و دانشگاه مجدداً در رشته راهنمایی و مشاوره شروع به جذب دانشجو کردند (محمدخانی، ۱۳۸۴).

ضرورت گسترش راهنمایی و مشاوره در دوره عمومی

هم‌اکنون پس از سال‌ها بحث و بررسی، به نظر می‌رسد که بحث راهنمایی و مشاوره مبحثی است که به مقطع دبیرستان محدود نمی‌شود. بسیاری از اختلالات روانی و رفتارهای آسیب‌زای نوجوانان در سن دبیرستان از دوران راهنمایی و حتی دبستان آغاز می‌شود و روزبه‌روز عمیق و عمیق‌تر می‌شود؛ زیرا افراد مبتلا به این اختلالات هیچ درمان تخصصی‌ای دریافت نمی‌کنند. زمانی که نوجوان با مشکلات خاص وارد دوره دبیرستان می‌شود، گاه مشکلات او به حدی رسیده است که حل کردن آن‌ها از عهده مشاور خارج است.

از طرفی، کودکان در دوره عمومی با اختلالات خاصی روبه‌رو هستند. از جمله این اختلالات می‌توان به اضطراب جدایی،

بسیاری از اختلالات روانی و رفتارهای آسیب‌زای

نوجوانان در سن دبیرستان از دوران راهنمایی

و حتی دبستان آغاز می‌شود و روزبه‌روز

عمیق و عمیق‌تر می‌شود





اگر مشاور در مدرسه حضور داشته باشد، در اثر تعامل با دانش آموزان و با گزارش معلمان متوجه تغییر رفتارهای دانش آموزان می شود

افسردگی دوران کودکی، ناتوانی های یادگیری، اوتیسم و اختلالات رشد، عقب ماندگی ذهنی، اختلالات حرکتی، اختلالات سلوک، تیک، شب ادراری، اختلالات ارتباطی-دفعی (پورافکاری، ۱۳۷۹) اشاره کرد. این مشکلات همگی در دوران ابتدایی بروز می کنند و مبتلایان به آن ها به کمک های تخصصی نیاز دارند.

عدم درمان این اختلالات منجر به بروز مشکلات بسیار زیادی در دوره های بعدی رشد می شود. برای مثال، گاهی کودک با ناتوانی یادگیری به عنوان کودک عقب مانده ذهنی شناخته می شود یا بیش فعالی کودک، پرخاش گری یا لجبازی تلقی می شود و درمان نشده باقی می ماند.

علاوه بر این اختلالات، زمانی که کودک به دوره راهنمایی می رسد، دچار مشکلات عدیده دیگر می شود. اعتقاد بر این است که نوجوانان امروز نسبت به نسل های گذشته زودتر به بلوغ جسمی، اجتماعی و عقلی می رسند (گیسون، ۱۳۷۶). تحولات مربوط به بلوغ، رشد فکری و روانی، تمایل به استقلال طلبی، تغییر ارزش ها و تحولات جسمی از این سن آغاز می شود. نوجوانان در این دوره

بسیار حساس، زودباور و تأثیرپذیرند. تمایل به جنس مخالف یکی دیگر از ویژگی های این دوره سنی است که در صورت عدم آموزش و یا نبود مشاور در مدرسه، نوجوانان را به دام روابط ناسالم گرفتار می سازد.

با توجه به مطالبی که بیان شد، برای تحقق اهداف تعلیم و تربیت و رشد شخصیت کودکان و نوجوانان می توان از خدمات راهنمایی و مشاوره استفاده کرد. مهم ترین عواملی که ضرورت راهنمایی و مشاوره و توسعه آن در نظام های آموزش و پرورش را نشان می دهد، عبارتند از:

الف) وجود تفاوت های فردی در دانش آموزان و ضرورت توجه به این تفاوت ها در امر آموزش و پرورش

ب) وجود استعداد های عمومی و اختصاصی در دانش آموزان و ضرورت شناخت و پرورش تدریجی و سنجش آن ها

پ) وجود مسائل و مشکلات جسمانی، عاطفی، اجتماعی، رفتاری و خانوادگی از قبیل طلاق و رفتارهای نابهنجار خانواده

ت) توسعه مشاغل و تنوع رشته های تحصیلی و لزوم آشنایی با انواع آن ها در دوره های ابتدایی و راهنمایی

نقاط قوت

پژوهش های انجام شده در سایر کشورها از تأثیر مثبت مشاوره در دوره عمومی حکایت می کند ویتسون و توماس (۱۹۹۸) به این نتیجه رسیده اند که فعالیت های راهنمایی گروهی در مدارس ابتدایی به افزایش عزت نفس و اعتماد به نفس دانش آموزان منجر می شود. بریگمن و گمبل (۲۰۰۳) متوجه شده اند که مشاوران متخصص،

افرادی هستند که بیشترین تماس را با مشکلات هیجانی و رفتاری دانش آموزان دارند و جزء منابع اولیه حمایتی به شمار می روند. براساس تحقیق هراندز و سیم (۲۰۰۴) در مورد اثربخشی نقش مشاوران در مدارس راهنمایی، دانش آموزانی که در مدارس دارای مشاور تحصیل می کنند، احساس رضایت تحصیلی بالاتری دارند، روابط بهتری با معلمان دارند و بیش از سایرین به مدارج بالاتر دست می یابند.

از دیگر نقاط قوت گسترش راهنمایی و مشاوره در دوره عمومی، موارد زیر را می توان نام برد. این موارد براساس تجربیات نویسندگان مقاله در حیطه مشاوره به دست آمده اند.

۱) صرفه جویی در زمان و هزینه برای دانش آموزان و والدین: بسیاری از مشکلات رفتاری دانش آموزان در دوره ابتدایی و راهنمایی طی چند جلسه آموزش والدین و کار با کودک قابل حل است؛ برای مثال، مشکلاتی نظیر شب ادراری، ناخن جویدن، پرخاش گری کودک بدون علل روان شناختی و....

در حال حاضر این گونه کودکان به مراکز مشاوره مناطق و نواحی آموزش و پرورش ارجاع داده می شوند و مشکلات آن ها با صرف هزینه بسیار کم قابل حل است اما مراکز مشاوره گاه به دلیل آمار بالای مراجعان و نوبت های یک تا دو ماهه جواب گوی مراجعان نیستند. در این صورت، مراجعان مجبور به مراجعه به مراکز خصوصی و صرف هزینه های بسیار بالا می شوند یا در مناطقی که دسترسی به مراکز مشاوره سخت تر است، کودک بدون درمان تخصصی رها می شود و مشکل وی حل نشده باقی می ماند.

۲) شناسایی سریع و زود هنگام

مشکل مراجع: اگر مشاور در مدرسه حضور داشته باشد، در اثر تعامل با دانش‌آموزان و با گزارش معلمان متوجه تغییر رفتارهای دانش‌آموزان می‌شود. در این صورت، وی قادر خواهد بود مشکلات دانش‌آموزان را شناسایی و در صورت امکان آن را رفع کند. به‌علاوه، در صورتی که مشکل، اختلال عمیق روان‌پزشکی باشد، آن‌ها را به مراجع ذی‌صلاح ارجاع می‌دهد. برای مثال، پس از اجرای طرح احیای نقش مشاوره‌ای معلمان در مدارس راهنمایی، شناسایی و ارجاع زودهنگام دانش‌آموزان از طرف برخی از مربیان به مرکز مشاوره بسیار بیش‌تر از پیش بوده است و این امر مسلماً نتایج بسیار بهتری خواهد داشت.

۳) پیشرفت تحصیلی بیش‌تر: برخی مراجعان به دلیل مسائل تحصیلی، بی‌انگیزگی و افت تحصیلی به مرکز مشاوره ارجاع داده می‌شوند. در این‌گونه موارد، مشاور پس از مشاوره و بررسی علل افت تحصیلی مراجع قادر خواهد بود به او کمک کند. هم‌چنین، می‌تواند با راهنمایی‌های گروهی، شیوه‌های درس‌خواندن و برنامه‌ریزی را به دانش‌آموز آموزش دهد. در نتیجه، حضور مشاور در مدرسه به افزایش پیشرفت تحصیلی و کاهش افت تحصیلی دانش‌آموزان منجر خواهد شد.

۴) پیش‌گیری از رفتارهای ناسالم: یکی از وظایف مهم مشاوران، نشان دادن خطر رفتارهای ناسالم به دانش‌آموزان است. مواردی چون آموزش مهارت‌های زندگی، که در سال‌های اخیر موضوع بحث‌برانگیزی در آموزش و پرورش شده است، جزء وظایف اصلی مشاوران در مدارس است.

۵) تسهیل امر خودشناسی در

دانش‌آموزان به‌خصوص در دوره راهنمایی: دانش‌آموزان دوره راهنمایی در دوره حساسی به‌سر می‌برند. جست‌وجوی هویت، احساس اعتمادبه‌نفس و استقلال‌طلبی و نفوذ گروه هم‌سالان از مسائل خاص و گاه خطرناک این دوره است. این موارد در دوره یاد شده حضور فردی را که در تماس تنگاتنگ با دانش‌آموزان باشد، ضروری جلوه می‌دهد. در صورت حضور مشاور در مدرسه، وی قادر خواهد بود زمانی که احساس خطر می‌کند، وارد عمل شود و به دانش‌آموز کمک کند.

۶) آموزش معلمان و آشناسازی آنان با انواع اختلالات: مشاور می‌تواند در جلسات شورای دبیران در زمینه انواع مشکلات کودکان صحبت کند. نتیجه این آموزش‌ها روابط بهتر معلمان با دانش‌آموزان دارای مشکل و کمک به درمان بهتر آن‌ها خواهد بود.

۷) آموزش والدین: برخی از مشکلات دانش‌آموزان بر اثر مسائل خانواده ایجاد می‌شود و در صورت آموزش والدین، این مسائل خود به خود برطرف خواهند شد. برای مثال، مراجعانی که از خانواده‌های آشفته وارد سیستم مشاوره می‌شوند، معمولاً در این موارد مسئولان مدرسه موضوع و علت مشکل دانش‌آموز را متوجه می‌شوند اما زمان و توانایی کافی برای حل این مسائل را ندارند. در این‌جا با توجه به تخصص مورد نیاز، یک مشاور قادر خواهد بود با برگزاری جلسات آموزشی مستمر برای والدین یا دعوت از والدین کودکان دارای مشکل و کار کردن با آنان، به حل مشکل دانش‌آموز کمک کند. حداقل فعالیت مشاور در این زمینه می‌تواند ارجاع والدین به مشاور مرتبط باشد.

تهدیدها و ضعف‌ها

۱) زمانی که از گسترش برنامه راهنمایی و مشاوره در دوره عمومی سخن به‌میان می‌آید، اولین و مهم‌ترین چالش، محدودیت منابع و نیروی انسانی است. مسلماً لازمه اجرای این طرح، استخدام و به‌کارگیری تعداد بسیار زیادی مشاور متخصص است و استخدام این خیل عظیم در سطح کشور نیز به برنامه‌ریزی‌های مدیریتی نیاز دارد.

۲) بودجه و هزینه‌های مربوط به استخدام و به‌کارگیری مشاوران دومین عامل تهدیدکننده است.

۳) عدم اعتقاد برخی از مدیران به خدمات راهنمایی و مشاوره: در صحبتی که با برخی از مدیران داشتیم، متوجه شدیم که آن‌ها به بسیاری از مشکلات و مسائل دانش‌آموز از دید انضباطی و مدیریتی نگاه می‌کنند و گاه اعتقاد دارند که دانش‌آموز قابل اصلاح نیست. از طرفی، برخی مدیران تصور می‌کنند که مشاوران مدارس کار چندانی ندارند و بنابراین، حضور آن‌ها در مدرسه چندان ضرورتی ندارد. در صورتی که این تصور در ذهن مدیران رده بالای آموزش و پرورش نیز باشد، مانع بزرگی بر سر راه گسترش مشاوره در دوره عمومی وجود خواهد داشت.

۴) به‌کارگیری نیروهای غیرمتخصص به دلیل کمبود نیرو و بودجه: ممکن است اجرای این طرح در سطح کشوری ضروری تشخیص داده شود اما بنا به دلایلی همچون نبودن ردیف استخدامی یا کمبود بودجه ممکن است از نیروهای موجود در سیستم استفاده شود. با توجه به این‌که مشاوره امری تخصصی است، ممکن است استفاده از





نیروهای غیرمتخصص نتیجه معکوس داشته باشد؛ برای مثال، در موردی راهنمایی نادرست یکی از مسئولان مدارس به والدین یکی از دانش‌آموزان، در زمینه افت تحصیلی کودک منجر به افت بیش‌تر و مردودی آن دانش‌آموز شد؛ زیرا دانش‌آموز دچار ناتوانی یادگیری بود اما به دلیل سخت‌گیری‌های والدین و توصیه‌های غلط مسئولان مدرسه مشکل او به شکل صحیح ارزیابی و حل نشد و همین امر به او بسیار زیان رساند.

۵ دیدگاه والدین: برخی از والدین نیز نسبت به فرایندهای مشاوره نگرش مثبتی ندارند یا آن قدر درگیر مشکلات خانوادگی هستند که تلاش مشاور در زمینه برقراری ارتباط با آن‌ها نتیجه‌ای نخواهد داشت. این‌گونه والدین احساس می‌کنند که مشاور قدرت تغییر رفتارهای کودک یا نوجوانشان را ندارد. این موضوع به ایران و جامعه ایرانی محدود نمی‌شود. در سراسر دنیا والدینی هستند که تمام تلاش‌های مشاور را نقش بر آب می‌کنند؛ همان‌طور که یک مشاور آمریکایی می‌گوید: «زمانی که دانش‌آموزان به منزل می‌روند، آثاری را که من در عرض ۵۰ دقیقه کار با آنان ایجاد کرده‌ام، والدین در عرض ۵ دقیقه از بین می‌برند (کاتز، ۲۰۰۵).

۶ محدودیت زمان: در حال حاضر نیروهای مشاور تنها در مقطع متوسطه مشغول به کارند و به‌ازای هر ۱۲ دانش‌آموز یک ساعت مشاوره به مدارس متوسطه تعلق می‌گیرد. به علت مشکلات بسیار زیاد نوجوانان و وظایف متعدد مشاوران، معمولاً آن‌ها زمان کافی برای تأمل و

تعمق در مشکلات دانش‌آموزان را ندارند و نمی‌توانند پاسخ‌گوی تمامی دانش‌آموزان تحت پوشش خود باشند. گاه پیش می‌آید که مشکل یک دانش‌آموز یک روز کاری وقت مشاور، مدیر و حتی دیگر مسئولان مدرسه را می‌گیرد. حتی گاهی پی‌گیری مشکلات خاص یک دانش‌آموز به چندین روز وقت حتی در ساعات خارج از مدرسه نیز نیاز دارد. در واقع، مشاور هم نقش مشاور و هم مددکار و روان‌شناس را بازی می‌کند. در چنین شرایطی که معمولاً در همه مدارس ایجاد می‌شود، مشاور توان رسیدگی به مسائل همه دانش‌آموزان را ندارد. مشاور می‌گفت که انتظار نمی‌رود که من با صرف فقط ۲۵ دقیقه وقت در هفته زندگی دانش‌آموز را تغییر دهم.

بنابراین، در صورتی که همین میزان زمان برای مدارس ابتدایی و به‌خصوص مدارس راهنمایی که مشکلات بیش‌تری دارند در نظر گرفته شود، مشاوران دوره عمومی نیز قادر به جواب‌گویی به همه مراجعان خود نخواهند بود. البته همان میزان نیز غنیمت است؛ زیرا مشاور دست‌کم قادر به تشخیص مشکل دانش‌آموز و ارجاع وی به دیگر مراکز خواهد بود.

۷ کمبود فضا و امکانات متناسب با نقش مشاور در مدرسه: یکی از نکات بسیار مهم و کلیدی در موضوع مشاوره، بحث رازداری و محرمانه بودن اسرار دانش‌آموزان است. در مدارس متوسطه بارها دیده شده است که دانش‌آموزان با وجود داشتن مشکلات بسیار حاد و حتی خطرناک به دلیل این‌که مشاور اتاق جداگانه نداشته یا اتاق او با مدیر و معاون یکی بوده است، حاضر به مشاوره

فردی نشده‌اند و تنها به نامه‌نگاری اکتفا کرده‌اند. زمانی که درباره حضور مشاوران در مدارس ابتدایی و راهنمایی صحبت می‌شود، یکی از سؤال‌ها و تهدیدها این است که این فرد تازه‌وارد کجا مستقر خواهد شد.

۸ مشکلات اجرایی در طرح احیای نقش مشاوره‌ای معلمان در دوره راهنمایی: یکی از راهکارهای پیشنهادی جهت حضور مشاوران در مدارس، استفاده از خود معلمان به‌عنوان مشاور بوده است اما تنها با چندین ساعت آموزش ضمن خدمت نمی‌توان از معلمان انتظار داشت که هم‌چون یک مشاور مجرب عمل کنند. اجرای این طرح به صرف زمان بسیار بیش‌تر و آموزش‌های مداوم و مستمر نیاز دارد. از طرفی، نگرانی‌های مربوط به تداخل نقش معلم و مشاور نیز یکی از موانع اجرای این طرح است.

پیشنهادها

چگونه می‌توان با وجود همه ضعف‌ها و تهدیدها، روند گسترش فعالیت مشاوره را در دوره عمومی تسهیل کرد شاید موارد زیر پاسخی به این سؤال مهم باشد.

۱ استفاده از نیروهای مازاد: ما در برخی مناطق و نواحی آموزش و پرورش با ازدیاد نیرو مواجهیم. برای مثال، منطقه جی در دو سال گذشته تعداد ۴ نفر نیروی پاره‌وقت مازاد مشاوره با مدارک فوق‌لیسانس مشاوره و لیسانس روان‌شناسی داشته است. این آمار شامل مشاورانی است که به دلیل مازاد بودن در مقطع متوسطه در سایر بخش‌ها به کار گمارده شده‌اند. در بین این افراد، حتی شخصی با مدرک فوق‌لیسانس مشاوره



وجود دارد که در حال تدریس در مدرسه ابتدایی است. یکی از فرصت‌ها استفاده از این گونه افراد در دوره عمومی به عنوان مشاور است.

۲) احیای نقش مشاوره‌ای معلمان: این طرح براساس نقش تاریخی معلمان در امر راهنمایی و مشاوره شکل گرفته است و بی‌تردید در هر زمان و مکان از اهمیت آن کاسته نخواهد شد (جزوه احیای نقش راهنمایی معلمان، ۱۳۸۵). یکی از پیشنهادهای بسیار کاربردی و مؤثر در زمینه گسترش نیروی مشاوره در دوره راهنمایی، طرح احیای نقش راهنمایی معلمان است. در همه مدارس دبیرانی یافت می‌شوند که به حل مشکلات دانش‌آموزان و کمک به آن‌ها بسیار علاقه‌مندند. در گام اول می‌توان این دبیران را شناسایی کرد. گام دوم آموزش مستمر و دائمی این دبیران است. همان‌گونه که در قسمت ضعفا گفته شد، تنها ۳۰ ساعت ضمن خدمت در یک سال نمی‌تواند مهارت و تخصص لازم برای مشاوره را به همکاران در حیطه‌های تخصصی دیگر بدهد. گام سوم تعدیل بین ساعات مربوط به نقش مشاوره‌ای معلم تعیین شده با ساعات تدریس وی است. در صحبتی که با دبیران شرکت‌کننده در این طرح در سال ۸۵ داشتیم، آنان معتقد بودند که فرصت اضافی برای بررسی و شناسایی مشکلات دانش‌آموزان ندارند. در واقعیت هم نمی‌توان از یک دبیر انتظار داشت که هم تمام‌وقت تدریس کند و هم عهده‌دار گوشه‌ای از نقش یک مشاور در مدرسه باشد؛ مگر این‌که مقداری از ساعات تدریس وی کاسته شود و در ازای آن، از او انتظار اجرای طرح را

داشته باشیم.

۳) جذب و به‌کارگیری نیروهای جوان و فعال در رشته‌های مشاوره و روان‌شناسی: هر ساله تعداد بسیار زیادی دانشجوی فارغ‌التحصیل می‌شوند. این افراد هم در دانشگاه‌های آزاد و هم دولتی تحصیل کرده‌اند. بسیاری از آنان توانایی‌های بالقوه و استعداد بسیار زیادی در حیطه مشاوره دارند اما اغلب یا مشغول به کار نمی‌شوند یا در شغلی ناهماهنگ با رشته اصلی‌شان به فعالیت می‌پردازند. این گروه عظیم یکی از فرصت‌های گسترش مشاوره در دوره عمومی هستند. در واقع، ما در زمینه نیروی متخصص مشکل و کمبودی نداریم و مشکل اصلی ردیف استخدامی و بودجه مورد نیاز برای جذب و به‌کارگیری این افراد است.

نتیجه‌گیری

با توجه به مراحل رشد و خصوصیات هر دوره می‌توان نتیجه گرفت که ارائه خدمات به دانش‌آموزان در زمینه‌های مختلفی که به آن‌ها اشاره شد، می‌تواند دیدی منطقی و اصولی برای تصمیم‌گیری صحیح به وی بدهد. دانش‌آموزان می‌توانند به کمک مشاور، معلم و خانواده تا حدودی مسیر پیشرفت خود را پیش‌بینی و فعالیت‌های خویش را با آن هماهنگ کنند. در این مسیر، سلامت روانی، برای رفع موانع امری ضروری است و دانش‌آموز با بهره‌گیری از آن می‌تواند از امکانات موجود خود مثل هوش و استعداد، توانایی‌های منحصر به فرد خود و تقویت انگیزه که از علایق او سرچشمه

می‌گیرد و نیز شرایط مناسب محیطی حداکثر استفاده را بکند. به وجود آوردن شرایطی که دانش‌آموز را با این امکانات به‌طور جدی‌تری آشنا سازد، از وظایف اصلی یک مشاور است.

برای کمک به حل مشکلات دانش‌آموزان در دوره‌های ابتدایی و راهنمایی وجود کارشناسان روان‌شناس و مشاور به‌صورت مستمر در این مدارس ضروری به‌نظر می‌رسد؛ زیرا مشاور با ایجاد روابط عاطفی پایدار می‌تواند کودکان و نوجوانان را جهت ورود به مقاطع مختلف آماده سازد و شیوه برخورد با مسائل و مشکلات عاطفی و آموزشی را به آن‌ها بیاموزد.

منابع

۱. پورافکاری، نصرت‌الله؛ طبقه‌بندی اختلالات روانی (DSM-IV). تهران، آزاده، ۱۳۷۹.
۲. گیبسون، رابرت و میشل، ماریان؛ مبانی مشاوره و راهنمایی، مترجم ستیلا علاقمند و همکاران، تهران، بعثت، ۱۳۷۶.
۳. محمدخانی، شهرام؛ برنامه جامع راهنمایی و مشاوره رشدی مدرسه، تهران، دفتر برنامه‌ریزی امور فرهنگی مشاوره وزارت آموزش و پرورش، ۱۳۸۴.
4. Brigman, G & Gmpbell, C (2003) Helping students improve academic achievement & school success behavior. Professional school counseling. Vol. 7(2) pages 91-98.
5. Katz, Ch (2005) school based counseling for preteens in son Mateo, country. Lucile Packard foundation for children's, health.
6. Whiston, Sc, Thomas, L.s (1998) A review of school counseling outcome Research, implicate: ons for practice. journal of counseling & Developmental vol 76. pages 412-426.